

فقه اقتصاد مقاومتی

حمایت از کالای داخلی

جلسه سوم

تاریخ	پنج شنبه ۲۳ - آبان ماه - ۱۳۹۸
مبحث ارائه شده	چیستی کالای ایرانی
زمان فایل صوتی	۴۹ دقیقه
حجم فایل صوتی	
مکان	موسسه فرهنگ و تمدن توحیدی

أَعُوذُ بِاللَّهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

مباحث گذشته

بحث ما فقه اقتصاد مقاومتی با رویکرد حمایت از کالای ایرانی بوده. فرضیه ما این است که حمایت از کالای ایرانی لازم است. و پرهیز از مصرف کالاهای خارجی واجب است.

نکته دیگر این که بحث موضوع شناسی در اینجا مهم است. نقل از آیت الله مکارم شنیدم که می فرمایند الان اجتهاد به معنای واقعی، هفتاد درصدش به موضوع شناسی است. نه به مباحث مبانی فقهی. به ویژه بعضی از موضوعاتی که جدید مطرح می شود و نیاز نظام است. حوزه در این عرصه ها کمتر وارد می شود. اقدامی که آیت الله اعرافی در این سالهای اخیر انجام داده اند و بحث فقه های مضاف را -

ولو هفته ای یکی، دو جلسه- مطرح کردند، امر مبارکی است. امیدواریم ان شاء الله فراگیر شود در حوزه و تمام خروجی های درس های حوزه از سطوح تا درس خارج، خروجی اش مستقیم برود برای مشکلی از نظام و مردم و جامعه را رفع کند.

پرسش اصلی

اصل محور بحث ما که در قالب یک سوال مطرح کرده بودیم

۱. پرسش اصلی فقهی: با توجه به شرایط فعلی اقتصاد ایران - جنگ تمام عیار اقتصادی که متوجه ملت ما است - حکم فقهی حمایت از کالای ایرانی و پرهیز از مصرف کالاهای خارجی چیست و چگونه می توان حمایت از کالای ایرانی و نیز پرهیز از مصرف کالاهای خارجی را در چارچوب موازین فقهی محقق نمود؟ برای این که این پرسش اصلی پاسخ داده شود، لازمه اش این است که ما یک سری از پرسش ها را پاسخ دهیم.

پرسش های فرعی مرتبط:

- مقصود از کالای ایرانی چیست؟ که بحث این گذشت.
 - منظور از «حمایت از کالای ایرانی» چیست؟ بحث امروز ما است.
 - مقصود از کالای خارجی کدام است؟ در آینده بحث خواهیم کرد.
 - آثار و پیامدهای مصرف کالاهای خارجی در شرایط فعلی چیست؟
 - آثار و پیامدهای حمایت از کالاهای داخلی چیست؟
- تا اینجا مباحث موضوع شناسی بود. از این جا به بعد بحث فقهی خواهیم داشت که بحث تفصیلی مان اینجاست.

- حکم فقهی مصرف کالاهای خارجی در شرایط فعلی براساس ادله اولیه و ثانویه چیست؟

- حکم فقهی واردات و مصرف کالاهایی که مشابه داخلی دارند براساس ادله اولیه و ثانویه چیست؟

- حکم فقهی مصرف کالاهای داخلی در شرایط جنگ اقتصادی براساس ادله اولیه و ثانویه چیست؟

تبیین مفهومی «حمایت از کالای ایرانی»

یک بحث اجمالی در جلسه گذشته داشتیم که اساسا مقصود از حمایت از کالای ایرانی یعنی چه. با شواهد و قراینی که ارائه دادیم گفتیم: «حمایت از کالای ایرانی یعنی خریداری و مصرف پایدار کالای تولید شده ایرانی توسط هر فرد ایرانی یا غیر ایرانی». مولفه ها را قبلا توضیح داده ایم.

اما بحثی که داریم این است که فرض کنید اثبات کنیم که حمایت از کالای ایرانی واجب است. یعنی خرید و مصرف پایدار کالای ایرانی در شرایط جنگ اقتصادی واجب است. و مصرف کالاهای خارجی با آن شرایطی که عرض می کنیم، حرام است. حالا می خواهیم ببینیم کدام کالا، کالای ایرانی است که اگر حکم وجوب رویش بیاید، ما در زندگی شخصی خودمان، در نهادهای حوزوی، نهادهای حاکمیت، بخش عمومی و مردمی واجب است این مسئله را رعایت کنند. اگر این حکم، حکم وجوبی باشد، قانون گذار و تولید کننده و مصرف کننده و همه باید بیایند پای کار. خب آن کالای ایرانی چیست؟

اگر طیف گسترده ای از کالاها به نام کالای ایرانی مطرح باشد، شرایط امکانات نرم افزاری و سخت افزاری ما اجازه نمی دهد که از این طیف گسترده حمایت کنیم. ناچاریم که اولویت بندی کنیم امکانات نرم افزاری و سخت افزاریمان را برای حمایت از بخشی از کالاهای ایرانی تخصیص بدهیم. در مقام تراحم که مقام عمل و اجرا است.

خب با چه معیاری باید ما امکانات نرم افزاری و سخت افزاریمان را ببریم به دنبال حمایت از کالاهای خاص ایرانی؟

تا زمانی که دشمن در مقابل ما زنده و سر حال باشد، ما جنگ اقتصادی را خواهیم داشت. کما این که جنگ سیاسی را خواهیم داشت، جنگ فرهنگی را خواهیم داشت. ولی الان دشمن متمرکز شده روی جنگ اقتصادی.

فهم کالای ایرانی به عنوان موضوع حکم فقهی بسیار مهم است. در مکاسب محرمه می بینید که شیخ حکم فقهی یک مسئله را بیان می کند بعد شروع می کند به موضوع شناسی و بحث های مفصلی می آورد.

مقصود از کالای ایرانی

برای روشن شدن این مسئله، سوالاتی که ممکن است در خصوص کالای ایرانی مطرح باشد، پنج، شش سوال را مطرح می کنیم. البته می توان سوالات فراوانی را مطرح کرد.

وقتی کالایی می خواهد تولید شود، اول یک گروهی می نشینند طراحی می کنند. تولید می کنند. در تولید نیروی کار و سرمایه به کار می گیرند. در یک جغرافیای خاص کالا را تولید می کنند.

۱. اگر طراحی تولید کالایی در ایران و به وسیله نیروی متخصص ایرانی انجام شود، اما سایر مراحل تولید آن در خارج از ایران صورت گیرد، آیا می‌توان گفت آن کالا ایرانی و داخلی است؟

۲. اگر کالایی در ایران و به وسیله نیروهای کار ایرانی تولید شود، هرچند طراحی آن در خارج از ایران صورت گرفته باشد، آیا آن کالا را می‌توان گفت کالای ایرانی و داخلی؟

۳. اگر کالایی در داخل ایران طراحی و تولید شود، هرچند همه نیروهای کار آن ایرانی نباشند، می‌توان گفت آن کالای تولیدی، کالای ایرانی است؟

۴. اگر کالایی نشان تجاری (برند) ایرانی داشته باشد، کافی است که نام کالای ایرانی و داخلی داشته باشد؛ هرچند در خارج از ایران طراحی و تولید شده باشد؟

۵. اگر کالایی در داخل ایران به صورت کامل یا بخشی از آن مونتاژ شود کالای ایرانی است؟

۶. اگر کالایی در داخل ایران توسط کارگر ایرانی تولید شود، هرچند تمام مواد اولیه آن خارجی باشد، می‌توان گفت کالای ایرانی است؟

پرسش‌های زیاد دیگری درباره اینکه چه کالایی و با چه خصوصیات ایرانی است مطرح می‌باشد؛ چگونه می‌توان به نتیجه روشنی رسید؟

این یک ابهام است و باید یک معیاری پیدا کنیم تا رفع ابهام کنیم.

آیا می‌توان با تعیین و پیگیری اهداف اقتصادی به نتیجه رسید؟ از باب مثال اگر هدف رشد اقتصادی باشد، تولید کالایی که به ارزش افزوده ملی منتهی شود و به رشد اقتصادی ایران کمک کند، نام کالای ایرانی و داخلی خواهد داشت و باید

حمایت شود؛ یا اگر هدف اشتغال باشد تولید هر کالایی با هر کیفیتی به ایجاد و افزایش اشتغال منتهی شود، کالای ایرانی است، پس باید به روش‌های گوناگونی مورد حمایت قرار گیرد. همچنین اگر هدف استقلال اقتصادی باشد، تولید کالایی که زمینه استقلال اقتصادی را فراهم کند، نام کالای ایرانی اطلاق شود و حمایت گردد؟

بنابراین ابهامات و پرسش‌های فراوانی برای یافتن پاسخ پرسش «به چه کالایی و با چه خصوصیاتی کالای ایرانی گفته می‌شود» مطرح است. در ادامه، پاسخ همین پرسش پیگیری می‌شود.

س- بارکدی که می‌زنند همین که سه تا رقم اولش ۶۲۶ باشد، یعنی کالای ایرانی. حالا سوالم این است که ملاک این بارکد، چیست؟
پ- الان داریم همین را دنبال می‌کنیم دیگر. این نام تجاری که می‌گوییم همین است. که آیا اصلاً این درست است یا نه.

س- اگر کاری به ویتترین بحث نداشته باشیم. ما پارادایم بحثمان چیست؟ انقلاب است؟ از موقف انقلاب اسلامی، چقدر رشد اقتصادی برای ایران مهم است؟ اساساً رشد اقتصادی در کدام طرح مهمی است؟ طرح کلی ای که ما برای جهان بشری داریم چیست و کدام رشد اقتصادی در این طرح حادثه درست است؟ مثلاً در این صورت رشد اقتصادی کشورهای مستضعف، هدف راهبردی درست نیست؟ و آن قدر ضریبش بالاست، که حرف از رشد اقتصادی ایران، هدف درجه دو و سه محسوب می‌شود. آیا این جواری می‌توان بحث کرد؟ احساس می‌شود نظام‌های سلطه گاهی این جواری نگاه می‌کنند به پدیده‌ها؟

پ- تا اینجا داریم طرح بحث می کنیم و قضاوت هم نکرده ایم. می گوییم این مسائل مطرح است. بین مجلسی ها، دولتی ها، فعالان اقتصادی، کسانی که واقعا می خواهند حمایت از کالای ایرانی و رونق تولید را محقق کنند مطرح است. و دست به دامن این و آن می شوند. و به نتایج ناقصی می رسند.

من هم معتقد به همین هستم. با توجه به همین شعاری که آقا برای سال ۹۷ فرمودند. حمایت از کالای ایرانی و شعار امسال هم دقیق مطرح شده واقعا. در این چارچوب بحثمان من هم چنین بحثی را مطرح می کنم. و این ها را از ابهام در می آوریم و روی یک مفهوم روشنی از حمایت از کالای ایرانی مستقر می شویم.

یک. تعیین کالای ایرانی براساس شاخص های آن
قدم اول فقط پرسش و طرح بحث بود. الان هم در طرح بحث هستیم. به نظر می رسد به طیف گسترده ای از کالاها با شاخص های زیر می توان نام کالای ایرانی اطلاق کرد:

۱. نام تجاری (برند) ایرانی داشته باشد: طراحی و تولید کامل آن (اعم از ساخت قطعات و ساخت نهایی) در ایران، با سرمایه و نیروی کار ایرانی انجام شود و بازاریابی و توزیع آن نیز توسط ایرانی صورت گیرد.
- این قسم مصداق کامل کالای ایرانی است. یعنی یک کالا منافع و همه چیزش برای ایران باشد. آیا می توان فقط این کالا را ایرانی دانست و بقیه را ایرانی ندانیم؟ اساسا ممکن است به خصوص در صنعت و کالاهای صنعتی، مثل وسایل نقلیه، در حالی که به لحاظ اقتصادی مقرون به صرفه نیست و مزیت نسبی

ندارد. چنین موردی معمولاً در بسیاری از کشورهای دنیا و در بسیاری از کالاها اتفاق نمی‌افتد. امکانش هست اما به لحاظ اقتصادی مقرون به صرفه نیست. پس اگرچه شاخص اول کامل‌ترین کالای ایرانی را ارزیابی می‌کند و نشان می‌دهد، اما در کالاهای تولیدی صنعتی ممکن نیست و مقرون به صرفه و اقتصادی نیست.

۲. نام تجاری ایرانی داشته باشد: بخشی از طراحی آن در ایران و بخش دیگرش در خارج از ایران صورت گیرد، اما تولید کامل آن در ایران، با سرمایه و نیروی کار ایرانی انجام شود و بازاریابی و توزیع آن نیز توسط ایرانی صورت پذیرد.

۳. نام تجاری ایرانی داشته باشد: تمام طراحی آن در خارج از ایران صورت گیرد، اما تولید کامل آن در ایران، با سرمایه و نیروی کار ایرانی انجام شود و بازاریابی و توزیع آن نیز توسط ایرانی صورت گیرد.

۴. نام تجاری ایرانی داشته باشد: با هر یک از سه فرض (طراحی کامل در ایران، یا خارج از ایران و یا بخشی در ایران و بخش دیگر آن در خارج از ایران)، بخشی از قطعات آن در ایران و بخش دیگرش در خارج از ایران تولید شود، اما ساخت نهایی آن در ایران صورت گیرد و بازاریابی و توزیع آن توسط ایرانی انجام شود.

۵. نام تجاری ایرانی داشته باشد: با هر یک از سه فرض (طراحی کامل در ایران، یا خارج از ایران و یا بخشی در ایران و بخش دیگر آن در خارج از ایران)، قطعات آن به طور کامل در خارج از ایران تولید شود، اما ساخت

نهایی آن (مونتاژ) در ایران صورت گیرد و بازاریابی و توزیع آن توسط ایرانی انجام شود.

۶. نام تجاری ایرانی داشته باشد: با هر یک از سه فرض (طراحی کامل در ایران، یا خارج از ایران و یا بخشی در ایران و بخش دیگر آن در خارج از ایران)، تولید قطعات آن (کامل در ایران، یا خارج از ایران، یا بخشی در ایران و بخشی در خارج از ایران)، اما ساخت نهایی آن در خارج از ایران صورت گیرد و بازاریابی و توزیع آن توسط ایرانی انجام شود.

۷. نام تجاری ایرانی داشته باشد: تمام خصوصیات شماره ۶ را داشته باشد، تنها بازاریابی و توزیع آن توسط غیر ایرانی صورت گیرد. حالا شما بیاید فرض اول را بگذارید نام تجاری غیر ایرانی را داشته باشد. بعد هر یک از این خصوصیات ۷ گانه ای که عرض کردیم متفاوت شود. یک طیف گسترده ای از شاخص های صد گانه ممکن است برای کالای ایرانی مطرح باشد. بالاخره ما باید مشخص کنیم که با چه شاخص و معیاری باید برویم تکلیف این مسئله را روشن کنیم.

اگر مصداق کامل کالای ایرانی در همه موارد قابل دستیابی نباشد، کدام شاخص ها با چه معیاری باید ترجیح داده شوند؟

به نظر می رسد با توجه به طیف گسترده ای از شاخص های کالای ایرانی، برای اینکه حمایت واقعی از کالای ایرانی صورت گیرد، باید با معیار اهداف حمایت از کالای ایرانی به دنبال ترجیح شاخص ها رفت. اما اهداف حمایت از کالای ایرانی چه هستند و کدام هدف نسبت به سایر اهداف در اولویت قرار می گیرند؟

دو. تعیین کالای ایرانی براساس اهداف حمایت

دشمن وقتی جنگ تمام‌عیار اقتصادی علیه ملت ایران را دنبال کرده است، به یقین قصد دارد تا ثبات و امنیت معیشتی و اقتصادی ملت ایران را ناامن کند. با ناامن و بی‌ثبات کردن معیشت و اقتصاد ایران، ممکن است ملت ایران در فشار شدید اقتصادی و معیشتی قرار گیرد و به دنبال آن، اراده جدی ملت ایران در مبارزه با استکبار جهانی تضعیف شود. دقیقاً حمایت از کالای ایرانی و رونق تولید امنیت معیشتی و ثبات اقتصادی ایجاد می‌کند. بنابراین اگر هدف حمایت از کالای ایرانی و سطح دوم موضوع شناسی را بررسی کنیم. با این معیار می‌توانیم برویم دنبال موضوع شناسی و موضع خودمان را مشخص کنیم.

بنابراین براساس این هدف می‌توان معیاری برای تعیین کالای ایرانی مشخص کرد. خرید و مصرف پایدار هر طیفی از کالاهایی که بتواند هدف بیان شده را تامین کند، کالای ایرانی است و باید از آن حمایت شود.

با این حساب اگر این را معیار قرار دهیم، آن شاخص اولی مهمترین شاخص برای تعیین کالای ایرانی است. و اگر الان سازمان استاندارد بخواهد کالای ایرانی را مشخص کند یک استاندارد نمی‌تواند بزند. یک بارکد نمی‌تواند بزند. اگر واقعا بخواهد از کالای ایرانی حمایت کند. بارکدها باید مختلف باشد. چطور ما بعضی از کالاها مثل تلویزیون یا یخچال را داریم که آرم استانداردشان آبی است، زرد است و... و هر کدام از این‌ها یک معنای خاصی دارند. دقیقاً اینجا هم باید همین اتفاق بیفتد. حمای تاز کالای ایرانی که این هدف امنیت اقتصادی، ثبات اقتصادی و امنیت معیشتی مردم را ایجاد می‌کند، این کالا فرض کنید آبی اش بهترین نوع حمایت

از کالای ایرانی است. چون هم طراحی، هم تولید، هم سرمایه، هم نیروی کار، هم توزیع ایرانی انجام می شود.

بنابراین برای اینکه کالاهای ایرانی به گونه‌ای تعیین شوند تا حمایت هدفمند از آن صورت گیرد باید براساس قاعده «الاهم فالاهم» اقدام کرد. یعنی حمایت از هر کالای ایرانی در هر مقطعی بیشتر بتواند آن هدف را تامین کند در اولویت قرار می‌گیرد و امکانات اقتصادی و غیر اقتصادی باید برای حمایت از آن اختصاص پیدا کند. پس اگر مرکز استاندارد ایران بخواهد استاندارد برای تعیین کالای ایرانی اعلام کند تا از آن حمایت صورت گیرد، نباید برای طیف گسترده‌ای از کالاهای تولیدی ایرانی، یک نوع علامت استاندارد اعلام نماید، بلکه باید با علائم مختلفی کالاهای ایرانی را اعلام نماید. هر کالایی که حمایت از آن نسبت به سایر کالاها بیشتر بتواند آن هدف را تامین کند، علامت خاص و برتر باید داشته باشد.

الان من رفته بودم وسایل خانگی برای ازدواج پسرم بخریم. می‌گفت سامسونگ را هم ایران دارد تولید می‌کند، چرا شما اصرار دارید کالای ایرانی و سامسونگ را حاضر نیستید ببینید. و داشت به من آدرس می‌داد. خب معلوم است که کالای ایرانی با این شاخصی که ما داریم نیست. گفتم نه ما اسنوا و... که حد اقل شاخص های ایرانی را داشته باشد من دنبال این ها می‌گردم. خب اینجا را سازمان استاندارد باید توجه داشته باشد. واقعا این ها را یک سره اعلام نکند که این ها کالای ایرانی است.

حالا در ایران بسته بندی شده یا جعبه اش را زده اند، یا یک کار این جوری انجام داده اند، این را کالای ایرانی بدانیم. آن هم که واقعا می‌خواهد به دستور ولی امر مسلمین مبنی بر مصرف متعصبانه عمل کند، و همان طور که از یک تیم طرفداری

می کند، این جا هم بخواهد همان طور عمل کند. به دولت دستور می دهد که مصرف کالاهای خارجی را بر خود حرام کنید. این ها باید عملیاتی بشود. اگر یک سازمانی بخواهد عمل کند دقیق باید برایش روشن باشد که چه جوری باید دستور ولی امر مسلمین را عمل کنیم.

پرسش و پاسخ

س- امام و اقا جبهه مستضعفین و مستکبرین را مطرح کرده اند. نه فقط ایران را. این که روی کالای ایرانی تاکید می شود، ممکن است حمایت از جبهه مستضعفین باشد نه فقط ایران؟

پ- در جلسه بعد اگر بتوانیم اثبات می کنیم که در شرایط اقتصادی مصرف کالاهای خارجی حرام است. ما بررسی فقهی می کنیم. آنجا می گوییم که اساسا منظور از کالای خارجی چیست. آیا خرید و مصرف کالاهای جبهه مقاومت اسلامی هم حرام است؟ اتفاقا وقتی آقا می فرمایند مصرف کالاهای خارجی که مشابه داخلی دارند باید پرهیز شود، ثابت می کنیم که قطعا نظر آقا این نیست. مثلا کالایی که یمنی ها تولید می کنند. مثلا سنگ عقیق. اینجا باید تنقیح مناط کنیم.

بعدا می گوییم که بین کالای خارجی که از امریکا و اسرائیل می آید با کالای خارجی که از اروپا می آید. با کالای خارجی که از کشورهای کافری مثل چین و روسیه می آید. با کالایی که از کشورهای اسلامی مثل اندونزی و مالزی و ترکیه می آید. با کشورهای اسلامی ای مثل قطر و امارات و عربستان می آید. با کشورهای اسلامی مثل عراق و حزب الله لبنان و یمن و سوریه متفاوت است. و هرکدام از این ها احکام فقهی جداگانه ای دارد. که این ها را بحث می کنیم.

امیدواریم این نوع بحث ها زمینه های فکری قوت جبهه مقامت را تقویت کند.

س- این فقه های جدید مثل فقه حمایت از کالای ایرانی، یک اصول جدید احتیاج دارد. مثلاً اینجا ما منابعمان کتاب، سنت، اجماع و عقل نیست. ظاهراً صحبت های آقا آمده جزء منابع. مواجهه ما با این چیست؟ مثل قول علماست یا مثل قول معصوم است؟ یا یک چیزی بین این است؟ یعنی اگر ما فرمایش اقا را گفتیم واجب، دیگر برای وجوب حمایت از کالای ایرانی بحثی نمی ماند. و فقط یک کار کارشناسی آکادمیک می خواهد که کدام کالاها اولویت دارند.

پ- من معتقدم که این فقه سنتی ما ظرفیت عمیقی دارد. پویایی لازم را در درون خودش دارد. ولی ما باید نحوه استفاده از فقه سنتی در حوزه های مختلف را بدانیم. گرچه معتقدیم که بحث های اصولی جدیدی هست که در اصول جدید مطرح نشده. و خیلی از بحث های اصولی در حال حاضر لازم نیست. مثل بسیاری از مباحث کفایه از تعریف علم اصول و... که آخرش خود آخوند می فرماید این ها شرح اللفظ است. من گاهی اوقات برای مطرح کردن بحث های مفهومی می گویم فقط تلقی تان را اصلاح کنید و واژه را بگذارید کنار. شیخ آمد در بیع هم تعریف ها را آورد و خودش یک تعریفی آورد و کار را تمام کرد. بقیه چه کار کردند با تعریف شیخ؟

بله من معتقد به این قضیه هستم. دوستان مرکز جامع علوم اسلامی گروه اول فقه اقتصادی شان کارهایی را شروع کردند.

ممکن است یک کسی یک مبنای اصولی را بپذیرد و بحث های فقهی جدی داشته باشد. مجتهد در اصول هم نباشد. فرض کنید ما مجتهد در اصول نیستیم ولی بر مبنای امام و بر مبنای مقام معظم رهبری می خواهیم بحث های فقه اقتصادی را سامان دهی کنیم. الان هم اتفاقاً نیاز ما همین است. لازم نیست یک کسی مجتهد

۱۴

